

پیشگفتار صدای انترناسیونالیستی

در نهم نوامبر ۱۹۸۹ دیوار برلین، نماد استالینیسم فرو پاشید و دموکراسی بورژوایی جشن پیروزی خود را بر ویرانه‌های استالینیسم برگزار کرد. بورژوازی پیروز، سرمست از پیروزی خود یک کمپین عظیم برای مسموم کردن طبقه کارگر جهانی به راه انداخت: استالینیسم همان کمونیسم است. استالینیسم همان وارث انقلاب اکتبر است، هر تلاش انقلابی، هر تفکری برای تغییر جهان محکوم به شکست است و به رژیم‌های توتالیترا از نوع استالینیسم منجر خواهد شد.

بر خلاف دروغ‌های دموکرات‌ها، استالینیسم روند تکاملی انقلاب اکتبر نیست بلکه گورکن انقلاب اکتبر بوده است. موج انقلاب جهانی ۱۹۲۳-۱۹۱۷ که در حال پیشروی بود و بورژوازی جهانی را به لرزه در آورده بود، در دژ سرمایه، در آلمان با مقاومت سرمایه روبرو شد. از سوئی بورژوازی آلمان از تجربه انقلاب اکتبر آموخته بود و پرولتاریای آلمان با شرایط سخت‌تری مواجه شد، از سوی دیگر پرولتاریای آلمان و حزب طبقه کارگر همانند بلشویک‌ها آمادگی لازم را نداشتند. انترناسیونالیست‌ها اعلام کرده‌اند پیشروی انقلاب اکتبر بعنوان بخشی از انقلاب جهانی نیازمند انقلاب آلمان بود نه بخاطر میزان رشد نیروهای مولده در روسیه، بلکه بخاطر ماهیت جهانی انقلاب کمونیستی. به عبارت بهتر اگر انقلاب نه در روسیه بلکه در جزیره پیشرفته‌ای مثل بریتانیا شکل می‌گرفت باز هم بعنوان بخشی از انقلاب جهانی نیازمند پیروزی انقلاب در دیگر کشورها بود.

انقلاب جهانی در اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی نه در مسکو یا پتروگراد بلکه در برلین و مونیخ شکست خورد و اعدام‌ها در مهد تمدن بورژوازی، در قلب اروپا شروع شدند، نسلی از کمونیست‌ها در آلمان توسط دموکرات‌ها (سگان شکاری چون «نوسکه») قتل عام شدند. مثل هر شکست دیگری، پرولتاریا گام به گام از مواضع خود عقب نشست. آخرین اخگرهای موج انقلاب جهانی در سال ۱۹۲۶ در بریتانیا با سرکوب اعتصاب عمومی توسط متمدن‌های بربر و با بخون کشیدن قیام پرولتاریای شانگهای در سال ۱۹۲۷ خاموش گردید. حالا نوبت ضد انقلاب روسیه بود، نوبت قاتل کمونیست‌ها، «استالین» بود تا انتقام خود را از خالقان انقلاب پر شکوه اکتبر بگیرد. ضد انقلاب جشن پیروزی خود را بر روی استخوان‌های کمونیست‌های بخون پییده شده برگزار کرد.

سال ۱۹۲۸ سال شکست تاریخی طبقه کارگر جهانی بود که ضد انقلاب با شعار «سوسیالیسم در یک کشور» آن را با صدای بلند اعلام کرد. پرولتاریا ابتدا در آلمان و سپس در روسیه و بعدا در کل جهان شکست خورد و بورژوازی موفق شده بود سر پرولتاریا را از بدنش جدا کند. دوران سیاه ضد انقلاب شروع شد. با شروع جنگ جهانی دوم تروتسکیست‌ها برای همیشه به اردوی سرمایه پیوستند، کمونیست‌های شورایی از صحنه روزگار محو شدند و کمونیست چپ در انزوای مطلق به دفاع از مواضع پرولتری پرداخت.

در ۵ مارس ۱۹۵۳ استالین درگذشت. سه سال بعد از آن و در جریان کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی به سال ۱۹۵۶ خروشچف گزارش محرمانه در رابطه با کیش شخصیت استالین و عواقب جنایت بار آن برای شرکت کنندگان کنگره قرائت کرد. در جریان گزارش کنگره، خود خروشچف عوامفریبانه از «شدت احساسات» چهار بار گریست، جنایتکاری که خود نقش اساسی در جنایات استالین داشت و حدود ۳۰ نفر از شرکت کنندگان به حالت اغما فرو رفتند. گزارش کنگره تاثیر منفی بر احزاب استالینیست در سراسر جهان گذاشت. دگرذیسی بسوی سوسیال دمکراسی در احزاب استالینیست شروع شد و آنهایی هم که به استالینیزم وفادار مانده بودند به شدت با ریزش نیرو مواجه شدند.

حدود سه دهه بعد از کنگره بیستم، استالینیزم دچار فروپاشی تاریخی شد. بدنبال سقوط دیوار برلین احزاب استالینیست نه تنها در کشورهای بلوک شرق سابق بلکه در کل جهان بسوی سوسیال دمکراسی دگرذیسی کردند، احزاب و جریاناتی هم که همچنان به استالینیزم وفادار ماندند، بشدت ضعیف شدند. در چنین مقطعی بود که وارثان کمونیسم حقیقی، کمونیستهای چپ بدون هیچ سراسیمگی و با صلابت تنها چند روز، بلکه تنها چند روز پس از سقوط دیوار برلین اعلام کردند، این کمونیسم نیست که فرو می‌پاشد بلکه دشمن خونی کمونیسم، استالینیزم است که فرو می‌پاشد. آنها بخصوص پرولتاریای غرب را خطاب قرار دادند و هشدار دادند که به دام‌هایی که بورژوازی جهانی برای کارگران چه در غرب و چه در شرق پهن کرده است

نیفتیند. آنها اعلام کردند، انقلاب پرولتاریای جهانی و ساختن جامعه کمونیستی بیش از هر زمان دیگری تنها چشم‌انداز آینده بشریت را تشکیل می‌دهد. امید است این ترجمه در خدمت شفافیت فضای سیاسی و آگاهی هر چه بیشتر از تاریخ جنبش کمونیستی قرار گیرد.

زنده باد کمونیسم!

صدای انترناسیونالیستی

نوامبر ۲۰۲۴

این کمونیسم نیست که مرده است، بلکه بدترین دشمن آن، استالینیسیم است
فروپاشی وحشیانه استالینیسیم از طریق یک واکنش زنجیره‌ای که اروپای شرقی را از
لهستان و مجارستان تا بلغارستان از آلمان شرقی و چکسلواکی تا خود روسیه به لرزه
در آورده، نشان می‌دهد که تمام طبقه بورژوازی جهان غرب از این رویدادها برای
اجرای یک کمپین عظیم به منظور مسموم کردن ایدئولوژیک طبقه کارگر، در غرب
و در شرق، استفاده می‌کند و این با قدرتی صورت می‌گیرد که از زمان پایان جنگ
جهانی دوم بی‌سابقه بوده است.

طبقه بورژوازی در تلاش است تا آگاهی کارگران را در اروپای غربی مسموم کرده
و با شیوه نفرت‌انگیزی فروپاشی استالینیسیم را با چیزی که آن‌ها شکست کمونیسم
می‌نامند، درهم آمیزد. آن‌ها همچنین سعی می‌کنند تا حد ممکن توهّمات
دموکراتیک را در میان طبقه کارگر تقویت کنند.

بورژوازی به این دلیل در غرب تلاش می‌کند تا از توهّمات بسیار قوی درباره
دموکراسی که هم‌اکنون آگاهی را در اروپای شرقی فراگرفته است، تا جایی که
می‌تواند بهره‌برداری کند، تا از لحاظ ایدئولوژیک به کارگران اروپای غربی - و به
ویژه در آلمان غربی - ضربه بزند. این توهّمات به‌ویژه در مهاجرت‌های دسته‌جمعی
و تظاهرات گسترده خیابانی در آلمان شرقی و چکسلواکی جایی که فریادهای:
"مرگ بر کمونیسم! زنده باد آزادی! زنده باد دموکراسی!" طنین انداز شدند، نمایان
می‌شود.

خطاب به کارگران در غرب! به دام‌هایی که طبقه بورژوازی امروز برای شما و برادران طبقاتی‌تان در شرق پهن کرده است نيفتيد! اجازه ندهيد که کمپين‌های بورژوازی، که تنها هدفشان خلع سلاح‌تان در توسعه بیشتر مبارزات طبقاتی است و شما پيشتر عليه بورژوازی انجام داده‌ايد را تحت تأثير قرار دهد!

«رژيم‌های استالينيستی همان کمونيسم هستند»: اين همان چیزی است که بورژوازی می‌خواهد در وهله اول و مهمتر از همه شما را به آن متقاعد کند. بنابراین، کمونيسم بايد بدترین چیز ممکن باشد. اين بايد به معنای استقرار رژيم‌های وحشتناک، منفور و تروری باشد که مردم اروپای شرقی و به‌ويژه کارگران، در حال حاضر به‌طور گسترده و با نفرتی بی‌سابقه آن را رد می‌کنند.

تبليغاتی که بورژوازی اکنون روزانه منتشر می‌کند، همان فریب قدیمی نفرت‌انگیزی است که بیش از ۵۰ سال است که در گوش‌های شما فرو کرده است! هیچ چیز نمی‌تواند اشتباه‌تر از اين باشد! استالينيسم هرگز نمایانگر هیچ‌گونه تداوم با موج انقلابی که بين سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۳ سراسر جهان را به لرزه درآورد، نبوده است! استالينيسم هرگز به هیچ وجه وارث اکتبر ۱۹۱۷ نبوده است! استالينيسم هرگز نماینده یا مدافع منافع طبقه کارگر نبوده است! اما برخلاف استالينيسم، مارکسيسم همیشه اين کار را کرده است!

تمام این‌ها تنها بیانگر دروغ عظیمی است که همه جناح‌های طبقه بورژوازی، بدون استثنا از راست افراطی تا چپ افراطی، بیش از ۵۰ سال است که آن را تبليغ می‌کنند.

این همان دروغی است که به ویژه احزاب کمونیست، این «مدافعان کمونیسم» در کشورهای بلوک شرق، گسترش داده‌اند. این همان دروغی است که موعظان مختلف تروتسکیستی حتی به شکل سمی‌تری با این ادعا مطرح می‌کنند دستاوردهایی که از انقلاب اکتبر در رژیم‌های استالینیستی باقی مانده است و باید از آنها دفاع کرد.

برعکس، استالینیسم، همیشه یکی از خونین‌ترین و بی‌رحم‌ترین دشمنان طبقه کارگر بوده است. این دستگاه استالینیستی بود که مهم‌ترین گورکن انقلاب پرولتری اکتبر در روسیه شد. همین دستگاه بود که صدها هزار نفری را که این انقلاب را انجام دادند، از دادگاه‌های نمایشی مسکو گرفته تا جنگ داخلی اسپانیا، همه کسانی که پیشگامان زنده انقلاب و پیشقراول پرولتاریای جهان بودند، تبعید، زندانی و قتل‌عام کرد. استالینیسم بیش از ۶۰ سال است که همین کار کثیف را نه در خدمت انقلاب، بلکه برای نفرت‌انگیزترین ضدانقلاب در تاریخ ادامه داده است. دستگاه استالینیستی به طور مداوم نسل‌های پرولتاریا را در سراسر جهان به قتل رسانده، سرکوب و استثمار کرده و به طور کامل ساکت نموده است.

به این ترتیب، استالینیسم، حتی اکنون که مرده است، همچنان در خدمت اهداف بورژوازی قرار دارد. این لاشه متعفن استالینیسم است که بورژوازی سعی دارد آن را [کمونیسم] جلوه دهد تا آگاهی شما را تیره و تار کند و شما را از تنها جایگزین

واقعی برای بربریت رو به افزایش سرمایه‌داری، یعنی: انقلاب کمونیستی پرولتاریای جهانی! متنفر کند. با این فریب که سرمایه‌داری به طور مسلم امکان کمونیسم را از بین برده است، طبقه کارگر تنها با یک انتخاب دروغین بین سرمایه‌داری و هرج و مرج مواجه خواهد شد. هدف به اصطلاح «پیروزی دموکراسی بورژوایی» بر «توتالیتاریسم کمونیستی» به طور عمدۀ برای این است که کارگران را قانع کنند که هر تلاش انقلابی، هر فکری برای تغییر جهان محکوم به شکست است و به‌ویژه این که بازگشت به یوغ توتالیتار غیرقابل برگشت خواهد بود. به این ترتیب بورژوازی تلاش می‌کند هر گونه اندیشه درباره انقلاب پرولتری، دیکتاتوری پرولتاریا و هر چشم‌انداز از یک جامعه کمونیستی را نابود کند.

بورژوازی به همین دلیل به «جشن» مرگ استالینسم تکیه می‌کند تا کمپین‌های خود برای «دفاع از دموکراسی» را که از ماه‌ها قبل با مراسمی به مناسبت «اعلامیه حقوق بشر» و از دویست سالگی انقلاب فرانسه آغاز شده است، تقویت و تشدید کند. هدف از این کار این است که کارگران را هرچه بیشتر از مسیر مبارزه منحرف کند. بورژوازی می‌خواهد شما را به تسلیم شدن بیش از پیش وادارد تا تمام ایده‌های مربوط به جهانی کاملاً متفاوت از این جهان را از بین ببرد. بورژوازی این کار را با این تلاش انجام می‌دهد که شما را متقاعد کند که دموکراسی جهان غرب بهترین شکل ممکن از جهان است و سرمایه‌داری «شر کمتری» را نمایندگی می‌کند.

به این ترتیب، بورژوازی تمام تلاش خود را می‌کند تا شما را به دامن نمایندگان اصلی این ایدئولوژی بیندازد: انواع سوسیال دموکرات‌ها. این‌ها دقیقاً همان کسانی بودند که در سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۱۹ ضربه نهایی و مرگبار را به انقلاب جهانی وارد کردند و از این طریق راه را برای ضدانقلاب استالینستی باز کردند. آن‌ها این کار را با سرکوب خونین پرولتاریای انقلابی در آلمان انجام دادند - جایی که قربانیان اصلی روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنخت بودند.

کارگران! بورژوازی در تلاش است تا شما را امروز نیز مانند گذشته زندانی دروغ‌های خود کند! به یاد داشته باشید که همان تقابل دروغین بین «دموکراسی» و «توتالیتاریسم» بود که در دهه ۱۹۳۰ میلادی توسط جبهه‌های مردمی به نام ضد فاشیسم به کار گرفته شد و ده‌ها میلیون نفر که جذب جبهه مردمی شده بودند را در جنگ جهانی دوم قربانی کرد! رژیم‌های دموکراتیک و رژیم‌های استالینستی، همان‌طور فاشیست‌ها و ضد فاشیست‌ها، هرگز چیزی غیر از دو روی یک واقعیت نبوده‌اند و نخواهند بود: نظام سرمایه‌داری در حال زوال و فروپاشی است. امروزه فروپاشی کامل یک بلوک و در نتیجه فروپاشی رژیم‌های استالینستی چیزی نیست جز شاهد واضح و آشکار نه شکست کمونیسم بلکه شکست تمام عیار خود سرمایه‌داری است. این فروپاشی در اثر فشار بحران اقتصادی خود سرمایه‌داری، انحطاط و فساد آن رخ داده است. این شکست غیرقابل بازگشت تنها می‌تواند بشریت را فقط به بربریت و هرج و مرج عمومی بکشاند.

کارگران! از این سیستم هیچ چیزی قابل انتظار نیست، باید آن را نابود کرد. انقلاب
پرولتاریای جهانی و ساختن جامعه کمونیستی بیش از هر زمان دیگری تنها چشم‌انداز
آینده بشریت را تشکیل می‌دهد.

جریان کمونیست بین‌المللی

۲ دسامبر ۱۹۸۹

آدرسهای جریان کمونیست بین‌المللی:

وبسایت:

www.internationalism.org

ایمیل:

international@internationalism.org

آدرسهای صدای انترناسیونالیستی:

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتز سابق):

https://x.com/int_voice

INTERNATIONELL REVOLUTION

Organ i Sverige för INTERNATIONELLA KOMMUNISTISKA STRÖMNINGEN Nr 36 (special) DEC 1989 5 kr

Det är inte kommunismen som är död – utan dess värsta fiende - stalinismen

Stalinismen har inte kommit sig ur sin kris och är idag en död ideologi som har fört Sverige till katastrof. Det är dags att återvända till den internationella kommunistiska strömningen som är den enda som står för en världsförändring.

Stalinismen har varit en katastrof för den internationella kommunistiska strömningen och för alla som har varit utslagna av dess ideologi. Det är dags att återvända till den internationella kommunistiska strömningen som är den enda som står för en världsförändring.

Stalinismen har varit en katastrof för den internationella kommunistiska strömningen och för alla som har varit utslagna av dess ideologi. Det är dags att återvända till den internationella kommunistiska strömningen som är den enda som står för en världsförändring.

Stalinismen har varit en katastrof för den internationella kommunistiska strömningen och för alla som har varit utslagna av dess ideologi. Det är dags att återvända till den internationella kommunistiska strömningen som är den enda som står för en världsförändring.

massiva gatemonstreringarna i Östtyskland och Tjeckoslovakien, där ropen ökade: "Ner med kommunismen! Leve friheten! Leve demokratin!"

Arbetare i väst! Gå inte i de fallor som borgarklassen lägger ut för er och era klassbröder i det södra! Låt er inte påverkas av borgarklassens komplicer som utslutande fräddar att avslöpa er när ni ska vidareutveckla de klasskräver som ni har redan har fått överallt mot borgarklassen!

"De stalinistiska regimerna, det är kommunismen": det är detta som borgarklassen först och främst skulle vilja övertyga er om just nu. Kommunismen skulle alltså vara det värsta av det värsta. Det skulle vara inställningarna av avskyvärda autoriteter som befolkningarna i Östtyskland, och särskilt arbetarna, för närvarande förlämnat massivt och med ett hat som saknar motsvarighet.

Denna propaganda som borgarklassen nu dugligen sprider ut är samma gamla avskyvärda mystifikation som den har propagerat i en och i mer än 50 år! Inget är mera felaktigt! Aldrig någon har stalinismen representerat någon kontinuitet med den re-